



102

A

نام
نام خانوادگی
محل امضاء

صبح چهارشنبه
۹۱/۱۱/۱۸



جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
سازمان سنجش آموزش کشور

اگر دانشگاه اصلاح شود مملکت اصلاح می شود.
امام خمینی (ره)

آزمون ورودی دوره های کارشناسی ارشد ناپیوسته داخل - سال ۱۳۹۲

مجموعه زبان آلمانی - کد ۱۱۲۴

مدت پاسخگویی: ۱۲۰ دقیقه

تعداد سؤال: ۱۲۰

عنوان مواد امتحانی، تعداد و شماره سوالات

ردیف	مواد امتحانی	تعداد سؤال	از شماره	تا شماره
۱	آلمانی به فارسی	۵۵	۱	۵۵
۲	فارسی به آلمانی	۴۵	۵۶	۱۰۰
۳	آیین نگارش	۲۰	۱۰۱	۱۲۰

بهمن ماه سال ۱۳۹۱

استفاده از ماشین حساب مجاز نمی باشد.

مناسب ترین ترجمه برای جمله‌ها و عبارتهای ۱ تا ۲۰ کدام است؟

1- **Die Einkommensteuererklärung ist die schriftliche Erklärung eines Steuerpflichtigen über sein Einkommen.**

(۱) اظهارنامه مالیات بر درآمد به معنای اظهار کتبی مؤدی مالیاتی در مورد درآمد او است.

(۲) حل و فصل مالیات بر درآمد به معنای اعتراف کتبی مؤدی مالیاتی در خصوص درآمد او است.

(۳) اظهاریه فرآیند درآمد حاصله از مالیات به معنای اظهاریه کتبی مشمول پرداخت مالیات بر درآمد او است.

(۴) اذعان به مالیات حاصل از درآمد به معنای اظهارنامه کتبی مشمول پرداخت درآمدهای حاصله از مالیات او است.

2- **Die Herstellung der Kommunikation ist zwar bei der Beziehung des Ausgangstextes zum Zieltext sehr wichtig, sie gilt jedoch nicht als ein übergeordnetes Kriterium bei der Übersetzung.**

(۱) گرچه برقراری ارتباط در رابطه زبان مبدا با زبان مقصد بسیار مهم است، اما این امر به عنوان ملاک اصلی ترجمه تلقی نمی‌شود.

(۲) گرچه ایجاد ارتباط برای همگون سازی زبان مبدا و زبان مقصد بسیار مهم است، اما این امر معیار اصلی ترجمه محسوب نمی‌شود.

(۳) گرچه همسان سازی در ارتباط برای ربط دادن زبان مبدا با زبان مقصد نقش بسیار مهمی دارد، اما این اقدام معیار مافوق در ترجمه نیست.

(۴) گرچه تعادل در برقراری ارتباط برای پیوند زبان مبدا با زبان مقصد نقش بسیار مهمی دارد، اما این اقدام ملاک مافوق ترجمه نیست.

3- **Ein Kollegiat muss am Ende des Studienkollegs die Prüfung zur Studieneignung ablegen, ohne die er nicht das Studium in dem vorgesehenen Fach aufnehmen kann.**

(۱) یکی از همدوره‌های من باید در پایان دوره کالج در امتحان احراز صلاحیت تحصیلی شرکت نماید و در صورت عدم موفقیت در این امتحان قادر به ادامه تحصیل در رشته مورد نظر نخواهد بود.

(۲) یک دانشجوی کالج باید در پایان دوره تحصیلی کالج در امتحان احراز صلاحیت تحصیلی شرکت نماید و در صورت عدم قبولی در این امتحان قادر به تحصیل در رشته مورد نظر نخواهد بود.

(۳) یک دانشجوی کالج باید در پایان دوره کالج در امتحان ورودی دانشگاه‌ها شرکت نماید و در صورت عدم موفقیت در این امتحان، امکان شروع به تحصیل در رشته پیش بینی شده را نخواهد داشت.

(۴) یکی از همدوره‌های من باید در پایان دوره کالج در امتحان ورودی به دانشگاه شرکت نماید و در صورت عدم شرکت در این امتحان امکان ادامه تحصیل در رشته پیش بینی شده را نخواهد داشت.

4- **Wenn wir zu Müllers gehen wollen, müssen wir nicht vergessen, auch Blumen zu besorgen.**

(۱) اگر قصد رفتن به نزد خاندان مولر را داریم، نباید از هول حلیم توی دیگ بیفتیم.

(۲) در صورتی که قصد رفتن به نزد خاندان مولر را داریم، باید مقدمات کار را فراهم کنیم.

(۳) در صورتی که قصد رفتن به نزد خانواده مولر را داریم، نباید خرید گل را فراموش کنیم.

(۴) اگر قصد رفتن به نزد خانواده مولر را داریم، باید راه چاره‌ای برای رضایت آنان بیندیشیم.

5- **Die Investoren und die Gläubiger wollen verhindern, dass das neu gegründete Unternehmen "International" die Insolvenz beantragt.**

(۱) صاحبان شرکت و بستانکاران در صدد جلوگیری از درخواست رکود تجاری کمپانی تازه تأسیس "انترنشنال" هستند.

(۲) صاحبان شرکت و معتمدین در صدد جلوگیری از درخواست ورشکستگی شرکت تازه تأسیس "بین‌الملل" هستند.

(۳) سرمایه‌گذاران و وام‌دهندگان در صدد ممانعت از درخواست رکود تجاری کمپانی تازه تأسیس "بین‌الملل" هستند.

(۴) سرمایه‌گذاران و طلبکاران در صدد ممانعت از درخواست ورشکستگی شرکت تازه تأسیس "انترنشنال" هستند.

6- **Wir müssen erst die Einladungsschreiben verteilen und dann können wir die Tagesordnung diskutieren.**

(۱) ابتدا باید دعوت‌نامه‌ها را پخش کنیم و بعد از آن می‌توانیم در باره مسایل روز به بحث بپردازیم.

(۲) ابتدا باید دعوت‌نامه‌ها را توزیع کنیم و بعد از آن می‌توانیم درباره دستور جلسه به گفتگو بنشینیم.

(۳) ابتدا باید دعوت‌نامه‌ها را پخش کنیم و بعد از آن می‌توانیم در باره نظم جلسه امروز به گفتگو بپردازیم.

(۴) ابتدا باید دعوت‌نامه‌ها را تقسیم کنیم و بعد از آن می‌توانیم در باره روند جلسه امروز به بحث بنشینیم.

7- **Der Torwart hat in der Nachspielzeit wegen eines brutalen Foulspiels innerhalb des Strafraums die rote Karte erhalten und ist des Feldes verwiesen worden.**

(۱) دروازه‌بان در وقت اضافه به علت ارتکاب یک فoul وحشیانه در محوطه جریمه با دریافت کارت قرمز از زمین مسابقه اخراج شد.

(۲) سنگربان در وقت اضافه به علت انجام یک فoul وحشیانه در حول و حوش نقطه پنالتی کارت قرمز را دریافت و از زمین فوتبال اخراج شد.

(۳) سنگربان در وقت‌های تلف شده به علت ارتکاب یک خطای خشن در محوطه جریمه با دریافت کارت قرمز از زمین مسابقه اخراج شد.

(۴) دروازه‌بان در وقت‌های تلف شده به علت انجام یک خطای خشن در حول و حوش نقطه پنالتی کارت قرمز را دریافت و از زمین فوتبال اخراج شد.

8- **Ein Zeichentrickfilm ist eine Spezialform der Animation, in dem beim Betrachter der Eindruck entsteht, dass es sich um ein Bewegtbild handelt.**

- (۱) کارتون نوع خاصی از پویانمایی است که در حافظه تماشاگر، بیانگر یک تصویر متحرک است.
- (۲) کارتون گونه خاصی از انیمیشن است که تصور یک تصویر متحرک را در بیننده ایجاد می کند.
- (۳) فیلم عروسکی نوع خاصی از پویانمایی است که در ذهن تماشاگر، یک نقاشی متحرک را به تصویر می کشد.
- (۴) فیلم عروسکی گونه خاصی از انیمیشن است که تصور یک تصویر متحرک را در نزد ناظر صحنه ایجاد می کند.

9- **Den ganzen Nachmittag hockte er in seinem Zimmer, öffnete einen Spalt weit die Läden und sah hinaus.**

- (۱) تمام بعدازظهر در اتاقش کز می کرد، به قدر شکافی کرکره را می گشود و بیرون را نگاه می کرد.
- (۲) تمام بعدازظهر را در اتاقش چمباتمه زده، در مغازه را کمی گشوده و به بیرون نگاه می کرد.
- (۳) تمام بعدازظهر سر به جیب فرو برده، گوشه پنجره را باز کرده و چشم به بیرون می دوخت.
- (۴) تمامی بعدازظهر در اتاق خویش سر درگریبان فروروده، پنجره را به اندازه یک شکاف باز می کرد و بیرون را می پایید.

10- **Lange haben die leitenden Strategen der Koalition wenigstens so getan, als würden sie sich dem Gelingen des Bündnisses verpflichtet fühlen.**

- (۱) سردمداران راهبردی این ائتلاف مدتها دست کم چنین وانمود کرده اند که برای موفقیت این اتحاد احساس وظیفه می کنند.
- (۲) مدیران راهبردی این ائتلاف حداقل بر این عقیده بوده اند که ظاهراً باید احساس وظیفه خود نسبت به ایجاد این اتحاد را نشان دهند.
- (۳) راهبران استراتژیک این ائتلاف در این امر که باید دست کم در ظاهر خود را موظف به ایجاد اتحاد بدانند، اتفاق داشته اند.
- (۴) پیشوایان استراتژیک این ائتلاف حداقل برای دستیابی به این اتحاد ظاهراً از مدت ها قبل احساس وظیفه کرده اند.

11- **Diese Resistenz gegen Strahlen führen die Forscher auf einen gestörten Kontrollmechanismus zurück.**

- (۱) پژوهشگران، مکانیسم کنترلی مختل شده را به مقاومت در برابر پرتونگاری ربط می دهند.
- (۲) علت این مقاومت در برابر تشعشع را می توان از دید محققین از بین رفتن کنترل بر مکانیسم های دفاعی دانست.
- (۳) پژوهشگران، این مقاومت در برابر تشعشعات را ناشی از نوعی اختلال در مکانیسم کنترلی می دانند.
- (۴) محققین علت چنین مقاومتی در برابر مکانیسم های دفاعی را قرار داشتن در معرض تشعشع می دانند.

12- Friedrich II., der Enkel Barbarossas, sah Deutschland nicht mehr als den Kern seines Imperiums, sondern nur als ein Nebenland, das er vorwiegend von Sizilien aus regierte.

(۱) کشور آلمان در نگاه نواده بارباروسا هسته امپراتوری فردریش دوم نبود، بلکه تنها کشوری در همسایگی بود که می شد حتی از سیسیل بر آن حکومت کرد.

(۲) فردریش دوم، نواده بارباروسا، دیگر به آلمان به چشم هسته امپراتوری خود نمی نگریست، بلکه آلمان را کشوری در حاشیه می دانست و غالباً از سیسیل به رتق و فتق امورش می پرداخت.

(۳) فردریش دوم، نواده بارباروسا را به حکومت هسته امپراتوری خود، آلمان منصوب نکرد، بلکه او را در کشوری همسایه گماشت تا ترجیحاً از سیسیل آن را زیر نظر داشته باشد.

(۴) فردریش دوم، نواده بارباروسا، می خواست آلمان را نه به صورت مرکز حکومتی امپراتوری خود بلکه به عنوان مستعمره بنگرد تا ترجیحاً از سیسیل هم بتواند حاکمیت آن را پوشش دهد.

13- Lernen bedeutet, etwas plötzlich in einer völlig anderen Art und Weise zu verstehen, als man es sein Leben lang verstanden hat.

(۱) آموختن، یادگیری آنی به صورتی دیگر و به نوعی دیگر است، نگرشی دگرگونه از آنچه انسان در تمام عمر در پی آن بوده است.

(۲) آموختن یعنی آدمی یکدفعه همه چیز را طوری دیگر بیاموزد و این آموزه از آنچه در تمام عمر آموخته است متفاوت باشد.

(۳) یادگرفتن یعنی درک کردن چیزی با دیدی متفاوت نسبت به آنچه انسان در تمام عمر آموخته است.

(۴) آموختن یعنی، چیزی را یکباره به صورتی کاملاً متفاوت از آنچه در همه عمر درک کرده ایم، درک کنیم.

14- Leben ist das, was passiert, während du eifrig dabei bist, andere Pläne zu machen.

(۱) زندگی در گذر است و تو با شور و شوق هنوز سرگرم نقشه های دیگری هستی.

(۲) در حین این که تو خود به فکر کشیدن نقشه برای دیگران هستی، زندگی می گذرد.

(۳) زندگی چیزی است که اتفاق می افتد اگرچه تو سرگرم کشیدن نقشه های شوق انگیز خود هستی.

(۴) زندگی همان است که وقتی تو مشتاقانه درصدد کشیدن نقشه های دیگری هستی، در حال رخ دادن است.

15- Um zur Wahrheit zu gelangen, sollte jeder die Meinung seines Gegners zu verteidigen versuchen.

(۱) برای رسیدن به حقیقت باید هرکسی در دفاع از عقیده رقیب خود بکوشد.

(۲) دفاع از اعتقاد رقیب برای هر دوطرف به معنای تلاش برای دفاع از وصول به حقیقت است.

(۳) هرکسی بتواند از عقیده حریف دفاع کند، راه وصول به حقیقت را یافته است.

(۴) اگر می خواهی به حقیقت برسی، هر که خواهی باش، باید عقیده حریف را محترم بداری.

16- Mein Geschäft ruht ganz auf meinen Schultern.

(۱) من معاملات خود را کاملاً براساس توانایی خود تنظیم کرده ام.

(۲) اداره مغازه ام روی دوشه ایم کاملاً سنگینی می کند.

(۳) من کسب و کار خود را یک تنه بر دوش می کشم.

(۴) من معامله را تماماً خود انجام می دهم.

17- Ich, ein solcher Narr, ich liebe Wieder ohne Gegenliebe

- | | |
|-------------------------|----------------------------|
| دوباره، بی معشوق! | (۱) من مجنون، عاشقم |
| باز نیز، بی عشق متقابل! | (۲) من عاشق دل شیفته‌ام |
| دگر بار، بی عشق متقابل! | (۳) من دیوانه، عشق می‌ورزم |
| دگر بار، بی معشوق! | (۴) من عاشقی دیوانه‌ام |

18- Über alle Einzelheiten hinweg erinnerte mich am Meisten an ein Gericht ein Dröhnen,
das unaufhörlich aus der Ferne zu hören war.

- (۱) از همه جزئیات که بگذریم، هجمه ای که مدام از دور شنیده می شد، مرا به یاد دادگاهی می‌انداخت.
(۲) از همه جزئیات که بگذریم، مشاجره ای غریب از دور شنیده می شد، که مرا به یاد محکمه‌ای می‌انداخت.
(۳) صرف نظر از همه جزئیات، فریادی ناپایان که از دور شنیده می شد، مرا به یاد غذایی می‌انداخت.
(۴) صرف نظر از همه جزئیات، همهمه ای ممتد که از دور شنیده می شد، مرا به یاد دادگاهی می‌انداخت.

19- Ich träume wieder von der Unbekannten,
Die schon so oft im Traum vor mir gestanden.

- | | |
|-------------------------------------|---------------------------------------|
| که بارها به خوابم آمده است | (۱) باز خواب غریبه ای می‌بینم |
| که بارها در خوابم چشم نواز بوده است | (۲) باز غریبه‌ای به خوابم آمده است |
| که مدام به خوابم می‌آیند | (۳) باز غریبه‌هایی به خوابم آمده‌اند |
| که روزگاری چند به خوابم آمده بودند | (۴) خواب غریبه‌هایی را دوباره می‌بینم |

20- Und du suchst mich von den Hecken
Ich höre deine Schritte seufzen.

- | | |
|-------------------------------|---|
| صدای گرم گام‌هایت را می‌شنوم. | (۱) و تو از پس ناکامیت می‌جویی‌ام |
| طنین آه گام‌هایت را می‌شنوم. | (۲) و تو پشت پرچین‌ها می‌جویی‌ام |
| صدای تلخ گام‌هایت را می‌شنوم. | (۳) و تو از آه مصیبت می‌جویی‌ام |
| گام‌هایت را با ناله می‌شنوم. | (۴) و تو از آن دور مصیبت بار می‌جویی‌ام |

متن زیر را به دقت خوانده و مناسب‌ترین گزینه را برای جاهای خالی انتخاب کنید:

Sprache ist eine Form der ----- (21) zwischen Menschen. Exemplarisch ist die Definition von Edward Sapir: „Sprache ist eine ausschließlich dem Menschen ----- (22), nicht im Instinkt wurzelnde Methode zur ----- (23) von Gedanken, Gefühlen und Wünschen mittels eines Systems von frei geschaffenen Symbolen“. Geschriebene und gesprochene Sprache ist ein ----- (24) des Denkens und der Weltauffassung schlechthin: Diese Definition geht davon aus, dass Sprache für alle komplexeren Tätigkeiten und Denkvorgänge des Menschen ----- (25) ist. Sprache ist damit nicht erst ein „nachträgliches“ ----- (26) zur Verständigung zwischen Menschen. Jede ----- (27) von Dingen und Sachverhalten in der Welt ist schon sprachlich strukturiert. Dinge und Sachverhalte werden durch die sprachliche ----- (28) der Welt in Sinnzusammenhänge gebracht. Der Mensch ----- (29) demnach nicht in einer sinnlich aufgefassten Welt, über die er sich erst nachträglich und gelegentlich mittels Sprache ----- (30), sondern er lebt „in der Sprache“.

- | | | | | |
|-----|-----------------|-----------------|----------------------|-------------------|
| 21- | 1) Vermittlung | 2) Verdichtung | 3) Verständigung | 4) Verknechtung |
| 22- | 1) eigene | 2) geschlossene | 3) vorgeschriebene | 4) vorgesehene |
| 23- | 1) Verstrickung | 2) Übermittlung | 3) Verwirklichung | 4) Anberaumung |
| 24- | 1) Vermögen | 2) Gut | 3) Instinkt | 4) Medium |
| 25- | 1) offen | 2) relativ | 3) unverzichtbar | 4) geschlossen |
| 26- | 1) Bild | 2) Konzept | 3) Universum | 4) Mittel |
| 27- | 1) Ansicht | 2) Auffassung | 3) Meinung | 4) Richtung |
| 28- | 1) Verstrickung | 2) Auffassung | 3) Verselbständigung | 4) Verwirklichung |
| 29- | 1) lebt | 2) wohnt | 3) steckt | 4) zögert |
| 30- | 1) verstrickt | 2) versteht | 3) vermittelt | 4) verständigt |

با توجه به متن زیر به سؤال‌های ۳۱ تا ۳۷ پاسخ دهید.

Niemand kommt als Raucher auf die Welt! Jeder fängt einmal mit dem Rauchen an, die meisten mit 10, 11 oder 12 Jahren. Manche sogar noch früher. Geraucht wird heimlich im Kreis von Spielkameraden, aus Neugier, um die Erwachsenen zu imitieren. Aber auch, um von den anderen in der Gruppe akzeptiert zu werden. Normalerweise endet dieser erste Kontakt mit der Zigarette jedoch nach kurzer Zeit. Die nächsten Raucherfahrungen werden im Allgemeinen zwischen 14 und 16 gesammelt. Viele rauchen in diesem Alter, ohne darüber nachzudenken, bloß weil es die anderen auch tun und weil Mitschüler und ältere Bekannte jetzt großzügig Zigaretten anbieten. „Zug um Zug“ fallen sie so in den regelmäßigen Zigarettenkonsum hinein. Andere rauchen ganz bewusst und konsequent, um ihre Unabhängigkeit zu demonstrieren oder aus Imponiergehabe gegenüber dem anderen Geschlecht. Zur Gewohnheit wird das Rauchen besonders leicht in der Zeit der Pubertät, um Unsicherheit und nervöse Spannungen zu

überspielen. Viele gewinnen dabei den Eindruck, dass ihnen das Rauchen in kritischen Situationen des Alltags oder bei Entscheidungen eine gewisse Entlastung bringen kann. Zum Beispiel schafft das Anzünden einer Zigarette Zeit zum Überlegen. Das gegenseitige Anbieten erleichtert den Kontakt zu anderen Menschen. Solche positiven Erfahrungen führen dazu, dass man jedes Mal zur Zigarette greift, sobald es kritisch wird. Daraus entsteht ein Verhalten, über das man gar nicht mehr nachdenkt und das sich nur schwer wieder ablegen lässt.

- 31- Durch das gegenseitige Anbieten von Zigaretten -----**
- 1) kommen viele Leute leichter ins Gespräch.
 - 2) nehmen sich die Raucher Zeit zum Überlegen.
 - 3) nehmen sich die Raucher gegenseitig die Spannung.
 - 4) entsteht eine Gewohnheit, die man schwer ablegen kann.
- 32- Welche Paraphrasierung der Aussage „Niemand kommt als Raucher auf die Welt! Jeder fängt einmal mit dem Rauchen an“ ist richtig?**
- 1) Rauchen will gelernt sein.
 - 2) Rauchen ist keine angeborene Handlung.
 - 3) Rauchen wird nicht immer zur Gewohnheit.
 - 4) Alle Menschen haben mindestens einmal geraucht.
- 33- Welcher zählt nicht zu Umständen, weshalb die Kinder und Jugendlichen anfangen, zu rauchen? Man will -----**
- 1) lediglich seine Neugier befriedigen.
 - 2) es bloß den Erwachsenen nachmachen.
 - 3) dadurch früher ins Erwachsenenalter eintreten.
 - 4) von den anderen Gruppenmitgliedern anerkannt werden.
- 34- Die erste Berührung mit der Zigarette -----**
- 1) macht immer abhängig.
 - 2) ist meistens von kurzer Dauer.
 - 3) endet nie mit zwiespältigen Gefühlen.
 - 4) führt zur Überschätzung der eigenen Fähigkeiten.
- 35- Manchmal rauchen Jugendliche aus Imponiergehabe, -----**
- 1) sie wollen also ihren emotionalen Stress bewältigen.
 - 2) sie wollen also ihre Kommunikationsfähigkeit steigern.
 - 3) sie wollen also das andere Geschlecht positiv beeindrucken.
 - 4) sie wollen also die soziale Kompetenz des Gegenübers in Frage stellen.
- 36- Wie kann einem in der Pubertät das Rauchen besonders leicht zur Gewohnheit werden? Indem -----**
- 1) man Zigaretten, die man großzügig angeboten bekommt, raucht.
 - 2) man durchs Rauchen andauernd sein Können unter Beweis stellt.
 - 3) man wiederholt raucht, um u. a. seine Unsicherheit zu überspielen.
 - 4) man den Eindruck gewinnt, dass ihm das Rauchen einen besseren Ruf beschert.

37- Welche Überschrift passt nicht zum Text?

- | | |
|---------------------------------|-----------------------------------|
| 1) Mit zehn die erste Zigarette | 2) Feststellungen über Raucher |
| 3) Warum Jugendliche rauchen | 4) Rauchen schadet der Gesundheit |

با توجه به متن زیر به سوالات ۳۸ تا ۴۵ پاسخ دهید.

Der Bolognaprozess führt in den meisten beteiligten Ländern zu tiefgreifenden Reformen der Studiengänge, in Deutschland sicherlich zu den einschneidendsten Veränderungen an den Hochschulen seit dem Ende des Krieges, in zahlreichen mittelosteuropäischen Ländern seit den Umbrüchen von 1990. In Deutschland ist eine der Zielsetzungen, nämlich ein höheres Maß an berufspraktischer Orientierung und an Beschäftigungsperspektiven, sehr kontrovers. Die Skeptiker sehen, sofern diesem Ziel Rechnung getragen wird, in der Folge eine Verschuldung der Universitäten, eine orientierende Lenkungswirkung außenwissenschaftlicher Kriterien und einen Verrat am emphatischen und humanen Verständnis der großen deutschen Universität Humboldt'scher Prägung. Diese Kritik ist nicht unberechtigt. Wenn man die so verstandene traditionelle Universität, die idealiter kleine Lerngruppen hatte, Forschung und Lehre als Einheit verstand, als oberstes Ziel Fortschritt zur Humanität durch Bildung verstand und einen Arbeitsprozess in größtmöglicher Freiheit anbot und forderte, wenn man also die so verstandene Universität zum Maßstab macht, dann ist leicht zu sehen, dass die moderne Massenuniversität anders arbeitet und diesem Bilde nicht mehr entspricht. Diese traditionelle Universität, die viele der heute älteren Hochschullehrer und Intellektuellen in Deutschland noch geprägt hat und der sie mit beträchtlicher Melancholie nachtrauern, ist spätestens Anfang der siebziger Jahre untergegangen, als im Zuge der Bildungsreformen die Zahl der Hochschulen wuchs, die einzelnen Hochschulen immer größer wurden und die Zahl der Studierenden in Deutschland annähernd verzehnfacht wurde. Diese Massenuniversität konnte weder die fast klösterliche Arbeitsweise aufrecht erhalten; noch war eine derart große Zahl von Studierenden begabt und diszipliniert genug für die Anforderungen einer derartigen Arbeitsform. Und schließlich wurde schon damals neben dem Bildungsanspruch nach verbesserter Beschäftigungsorientierung gefragt, weil die Hochschulabsolventen nicht mehr fraglos und selbstverständlich angemessene Arbeitsplätze fanden.

38- Was ist das oberste Ziel einer traditionellen Universität à la Humboldt?

- 1) Mittels Bildung zur Humanität zu gelangen.
- 2) Immer größere Lerngruppen zu veranstalten.
- 3) Forschung und Lehre miteinander zu vereinen.
- 4) Arbeitsprozesse in größtmöglicher Freiheit anzubieten.

39- Welches wird nicht als eine Folge der Bildungsreformen angesehen?

- 1) Zunahme der Zahl der Hochschulen.
- 2) Drastischer Anstieg der Studentenzahl.
- 3) Räumliche Ausdehnung einzelner Universitäten.
- 4) Beibehaltung einer klösterlichen Arbeitsweise.

40- Was ein höheres Maß an berufspraktischer Orientierung in Deutschland anbelangt,

-
- | | |
|--|---|
| 1) sind die Ansichten sehr heterogen. | 2) sind die Meinungen nur leicht geteilt. |
| 3) sind die Ansichten eher komplementär. | 4) gehen die Meinungen weit auseinander. |

- 41- **Der Bolognaprozess ruft in Deutschland sowie in zahlreichen Ländern Mittelosteuropas ----- hervor.**
- 1) bösen Spott der Bildungsreformatoren
 - 2) unerwartet positive Reaktionen der Kritiker
 - 3) spürbare Änderungen an den Hochschulen
 - 4) temporären Enthusiasmus der Hochschulabsolventen
- 42- **Wann ungefähr ist laut Text die traditionelle Universität untergegangen?**
- 1) Vor ungefähr 40 Jahren
 - 2) Zwischen 1960 und 1965
 - 3) Wenige Jahre vor der deutschen Einheit
 - 4) Das ist ein langwieriger Prozess, der immer noch anhält.
- 43- **Nach Ansicht der Skeptiker wäre die Verschuldung der Universitäten vermeidbar, -----.**
- 1) falls diese nicht ein höheres Maß an berufspraktischer Orientierung setzen.
 - 2) wenn diese mit außeruniversitären Organisationen zusammenarbeiten.
 - 3) wenn diese darauf verzichten, Arbeitsplätze für ihre Absolventen zu finden.
 - 4) wenn sie außeruniversitäre Angelegenheiten dazu nützen, Kapital zu beschaffen.
- 44- **Was ist hier unter „klösterliche Arbeitsweise“ zu verstehen?**
- 1) Harte Arbeit der Mönche auf den Feldern um die Klöster
 - 2) Unabhängige und vorurteilsfreie wissenschaftliche Arbeit
 - 3) Disziplinierte Arbeit in einer geschlossenen Gemeinschaft
 - 4) Religiös motivierte, vorurteilshafte Arbeit an einer Universität
- 45- **Nach diesem kleinen Textabschnitt zu beurteilen, -----.**
- 1) ergreift der Verfasser eher für die moderne Massenuniversität Partei.
 - 2) will der Verfasser nicht alle Nachteile einer Universität à la Humboldt aufzählen.
 - 3) will sich der Autor nur ungern über die Nachteile der traditionellen Universität äußern.
 - 4) analysiert der Autor nicht ganz vorurteilsfrei die moderne und traditionelle Universität.

گرامر: در سوالات ۴۶ تا ۵۵، گزینه صحیح را انتخاب کنید.

- 46- **Peter ----- Französisch perfekt beherrschen, versteht aber nicht einmal einen einfachen Satz.**
- 1) kann
 - 2) will
 - 3) mag
 - 4) darf
- 47- **Der Redner zielte mit seiner Andeutung ----- Erkenntnisse ----- die historische Bedeutung des Amphitheaters.**
- 1) auf / über
 - 2) an / in
 - 3) über / um
 - 4) vor / über
- 48- **Wissen Sie vielleicht, ob es hier in der Nähe ----- gibt?**
- 1) ein Geldautomaten
 - 2) ein Geldautomat
 - 3) einen Geldautomat
 - 4) einen Geldautomaten

- 49- Welche Fortsetzung ist nicht korrekt?
Nicht nur hat er eine Unterkunft gefunden, -----
1) sondern auch genug zu essen. 2) sondern hat auch genug zu essen.
3) sondern er hat auch genug zu essen. 4) sondern hat er auch genug zu essen.
- 50- Der Dieb beraubte ----- Freund ----- Geldtasche.
1) meinen / seine 2) meinem / seiner 3) meinen / seiner 4) meinem / seine
- 51- Das Urteil des Gerichts wurde vom Henker -----.
1) vollstreckt 2) gevollstreckt 3) vollgestreckt 4) vollstrecken
- 52- Hast du gewusst, dass meine Schwester nun außer einem Mädchen hat.
1) ein kleines Junge 2) einen kleinen Junge
3) einen kleinen Jungen 4) einen kleinen Junger
- 53- Welche Alternative passt für den Konzessivsatz: „Wir wussten, dass wir kein Ticket kaufen können, trotzdem gingen wir ins Stadion“?
1) Obwohl wir wissentlich kein Ticket kaufen konnten, wir wollten jedoch ins Stadion gehen.
2) Obwohl wir wussten, dass wir kein Ticket kaufen können, gingen wir ins Stadion.
3) Auch wenn wir ins Stadion gingen, wussten wir, dass wir kein Ticket kaufen können.
4) Trotz unseres Wissens, kein Ticket zu kaufen, können wir jedoch ins Stadion gehen.
- 54- Ich suche ein Zimmer mit ----- Wasser in ----- Lage.
1) fließender/ruhige 2) fließendem/ruhiger
3) geflossenem/ruhige 4) geflossenem/ruhiger
- 55- Gestern ----- ich lange geschlafen, deswegen ----- ich heute früher aufgewacht.
1) bin/bin 2) bin/habe 3) habe/habe 4) habe/bin

مناسب ترین ترجمه برای جمله‌ها و عبارتهای شماره ۵۶ تا ۷۵ کدام است؟

۵۶- رشته ادبیات تطبیقی، بُعدی میان رشته‌ای دارد و یکی از مهمترین رشته‌های تحصیلی به شمار می‌رود.

- 1) Die vergleichende Literaturwissenschaft ist ein interdisziplinäres Fach und gilt als eines der wichtigsten Studienfächer.
- 2) Die kontrastive Literaturwissenschaft ist ein fächerübergreifendes Fach und gilt als einer der wichtigsten Studiengänge.
- 3) Die komparative Literaturwissenschaft ist ein multidimensionales Fach und gilt als eine der wichtigsten Studienrichtungen.
4. Die adaptierende Literaturwissenschaft ist ein mit bunten Fächern versehenes Fach und gilt als eine der wichtigsten Studienfachrichtungen.

۵۷- دیوان عالی آلمان با رد مصوبه دولت فدرال، ممنوعیت تبلیغات سیاسی را غیر قانونی اعلام کرد.

- 1) Der Oberste Gerichtsdewan Deutschlands erklärte mit der Abweisung des Urteils der Bundesregierung das Verbot politischer Agitation für gesetzeskonfus.
- 2) Der Höchste Gerichtsbund Deutschlands erklärte mit der Ablehnung des Erlasses der Bundesregierung das Verbot des politischen Spots für gesetzeskonform.
- 3) Die Höchste Gerichtskammer Deutschlands erklärte mit der Ablehnung der Bestimmung der Bundesregierung das Verbot politischer Propaganda für gesetzeswidrig.
- 4) Der Oberste Gerichtshof Deutschlands erklärte mit der Abweisung des Beschlusses der Bundesregierung das Verbot politischer Werbung für ungesetzlich.

۵۸- دانشجوی مقطع کارشناسی رشته زبان و ادبیات آلمانی در صورتی فارغ التحصیل خواهد شد که موفق به گذراندن ۱۳۳

واحد درسی شود.

- 1) Ein Student in der Fachrichtung B. A. und im Studiengang "Deutsche Sprach- und Literaturwissenschaft" wird nur dann sein Studium absolvieren, wenn er 133 einheitliche Lehrveranstaltungen abgelegt hat.
- 2) Ein Student im Lehrgang B. A. und in der Fachrichtung "Deutsche Sprach- und Literaturwissenschaft" wird nur dann sein Studium absolvieren, wenn er 133 Studienfächer besucht hat.
- 3) Ein Student im Studiengang B. A. wird nur dann sein Studium in der Fachrichtung "Deutsche Sprache und Literatur" abschließen, wenn er 133 Unterrichtseinheiten abgelegt hat.
- 4) Ein Student in der Fachrichtung B. A. wird nur dann sein Studium im Lehrgang "Deutsche Sprache und Literatur" abschließen, wenn er 133 Lehrveranstaltungen besucht hat.

۵۹- فرصت را مغتنم شمرده و به شما اطمینان می‌دهم که با کمال امتنان در جشن تولد شما شرکت خواهم کرد.

- 1) Ich nehme die Gelegenheit wahr und versichere Ihnen, dass ich dankend an Ihrem Geburtstag teilnehmen werde.
- 2) Ich will die Chance nützen und Ihnen mitteilen, dass ich mit großer Demut an Ihrem Geburtstag teilnehmen will.
- 3) Ich will die Möglichkeit nicht aus der Hand geben und mich Ihnen aufdrängen, dass ich dankend an Ihrem Geburtstag teilnehmen werde.
- 4) Ich will die Gelegenheit nicht verpassen und Ihnen das Vertrauen einflößen, dass ich mit großer Demut an Ihrem Geburtstag teilnehmen will.

۶۰- «تا سه نشه بازی نشه» معادل ضرب‌المثل آلمانی است.

- 1) Aller guten Spiele ist eine goldene Zahl. 2) Aller guten Dinge ist ein gutes Ende.
3) Aller guten Spiele ist eine silberne Zahl. 4) Aller guten Dinge sind drei.

۶۱- برتولت برشت در نمایشنامه‌های خود قاطعانه به دنبال این هدف است که مانع از همدات پنداری تماشاگر با بازیگر شود.

- 1) Bertolt Brecht verfolgt in seinen Dramen ansdrücklich das Ziel, an der Gleichsetzung des Zuschauers mit dem Schauspieler zu hindern.
2) Bertolt Brecht verfolgt in seinen Theaterstücken konsequent das Ziel, die Identifikation des Zuschauers mit dem Schauspieler zu verhindern.
3) Bertolt Brecht verfolgt in seinen Theaterstücken vehement den Zweck, die Substanziierung des Zuschauers mit dem Schauspieler zu verhindern.
4) Bertolt Brecht verfolgt in seinen Dramen ausdrucksbetont den Zweck, an der Assimilation des Zuschauers mit dem Schauspieler zu hindern.

۶۲- سکوت اهالی اینترنت در مباحث مربوط به جایگاه انحصاری گوگل چشمگیر است.

- 1) In der Debatte um die Monopolstellung von Google verhält sich die Internetgemeinde auffällig still.
2) Die Internet-Community reagiert in der Debatte um die Sonderstellung Googles teilweise zurückhaltend.
3) Die Internetgemeinde stellt die Monopolstellung von Google in den in Foren geführten Debatten kaum in Frage.
4) Dem Schweigen der Internet-Community, die sich auf keine Debatte um Google einlässt, verdankt sich die marktdominante Stellung dieses Unternehmens.

۶۳- محکومیت برلوسکونی نخست وزیر پیشین ایتالیا که به علت تخلف مالیاتی به ۴ سال زندان محکوم شده بود، کاهش می یابد.

- 1) Italiens früherer Premierminister Berlusconi, der wegen Steuerhinterziehung zu vier Jahren Freiheitsentzug verurteilt worden war, wird doch nicht bestraft.
2) Der frühere italienische Ministerpräsident Berlusconi profitiert nach seiner Verurteilung zu vier Jahren Haft wegen Steuerbetrugs von einer Amnestie.
3) Dem früheren italienischen Ministerpräsidenten Berlusconi, der wegen Steuerhinterziehung vier Jahre im Gefängnis sitzen musste, wurde Straferlass gewährt.
4) Dem früheren Präsidenten Italiens, Berlusconi, der wegen Steuerflucht zu vier Jahren Haft verurteilt worden war, wurde Straferlass versprochen.

۶۴- واقعاً که این دختر چقدر به عمه‌اش شبیه بود. نه تنها سر و شکلش، بلکه تمام خصوصیات رفتاری‌اش.

- 1) Sie sah so sehr ihrer Tante ähnlich aus, das stimmt. Nicht nur ihr Charakter, sondern auch ihre Manieren sahen nach ihr aus.
- 2) Tatsächlich sah sie ihrer Tante sehr ähnlich aus, nicht nur in ihrer Gestalt, sondern auch in ihrer ganzen Lebensart.
- 3) Wirklich! Wie sie ihrer Tante ähnelte, nicht nur ihr Kopf und ihr Gesicht, sondern auch ihr Charakter.
- 4) Wirklich, sie hatte viel von ihrer Tante, nicht nur ihr Aussehen, sondern all ihre Manieren.

۶۵- از کیسه خلیفه می بخشی؟ اگر پول خودت گم شده بود، به همین بی خیالی بودی؟

- 1) Greifst du nun in die Kaisers Tasche? Wie ruhig wärest du noch, wenn dein eigenes Geld futsch wäre?
- 2) Zahlst du aus der Königstasche? Wie wär's, wenn du selbst dein Geld verloren hättest? Auch so in aller Ruhe?
- 3) Aus einer fremden Tasche ist gut zahlen! Würdest du noch so cool bleiben, wenn dein eigenes Geld verloren wäre?
- 4) Verschenkst du denn dem Kalifen aus dem Beutel? Hättest du selber dein Geld verloren, so wärest du nicht mehr so gelassen?

۶۶- چیزی که بیشتر از همه او را عذاب می داد این بود که بچه ها با یکدیگر نمی ساختند.

- 1) Das größte Ärgernis war für sie, dass sich die Kinder nicht benehmen konnten.
- 2) Am Allerschlimmsten für sie war, dass sich die Kinder nicht über Wasser halten konnten.
- 3) Was sie über alles ärgerte, war die Tatsache, dass die Kinder miteinander nicht auskommen konnten.
- 4) Was für sie die größte Plage war, war das Problem, dass die Kinder nichts miteinander bauen konnten.

۶۷- وین فرش هفت رنگ که پامال رقص توست، از خون و زندگانی انسان گرفته رنگ.

- 1) Und diesen kunterbunten Teppich, auf dem du rumtanzt, haben die Menschen mit ihrem Blut gefärbt.
- 2) Und dieser farbenfrohe, von deinem Tanz zertretene Teppich, hat seine Farbe vom menschlichen Blut und Leben.
- 3) Und dieser Teppich, mit seinen sieben Farben, auf dem du so tanzt, ist mit menschlichem Blut und Leben beschmutzt.
- 4) Und dieser schön gefärbte Teppich in sieben Farben, der mit menschlichem Blut und Leben gefärbt ist, wird unter deinen Füßen abgetreten.

۶۸- شعر نو به هیچ روی مدعی آن نیست که میراث کهن شعری و گنجینه‌های ادبی گذشته باید به دور ریخته شود.

- 1) Neues Gedicht vertritt nicht etwa die Idee, dass die alten literarischen Erbschaften und die dichterischen Schätze der Vergangenheit hinfällig werden sollen.
- 2) Das Anliegen der modernen Dichtkunst ist nicht etwa, dass die Erben der älteren Literatur und der klassischen Schätze fällig werden sollen.
- 3) Dass die moderne Lyrik die Schätze der klassischen Literatur und die antike Dichtkunst wegzuräumen versucht, ist zu viel behauptet.
- 4) Moderne Lyrik behauptet auf keinen Fall, dass das antike lyrische Erbe sowie die früheren literarischen Schätze weggeworfen werden sollen.

۶۹- تکبر به مثابه سدی بزرگ در راه دستیابی به وضعیت بهتر است.

- 1) Hochmut ist wie eine große Schranke im Wege des menschlichen Erfolges.
- 2) Hochmut sieht wie eine hohe Barriere des Weges aus, der zu besseren Situationen führt.
- 3) Hochmut gleicht einem großen Staudamm im Wege der Erlangung besserer Gelegenheiten.
- 4) Hochmut ist einer Sperrstange ähnlich, die den Wanderer hindert, bessere Chancen zu erreichen.

۷۰- علوم طبیعی چون دسته ای از لاشخوران هستند که بر بدن مرده طبیعت فرود می آیند و هرکدام با بخشی از گوشت آن می‌گریزند.

- 1) Naturwissenschaften fliegen wie Geier auf den toten Körper der Natur zu, nehmen ein Stück von deren Fleisch und fliegen davon.
- 2) Naturwissenschaften sind wie eine Schar Geier, die sich auf den Leichnam der Natur setzen, und jeweils mit einem Stück Fleisch davonfliegen.
- 3) Naturwissenschaften ähneln sich einer Gruppe von Geiern, die eine Leiche in der Natur finden, auf sie zufliegen, ein Stück Fleisch abnagen und wegfliegen.
- 4) Naturwissenschaften gleichen einer Herde von Geiern, die das Fleisch der Naturleiche abnagen und mit einem Stück Fleisch im Schnabel davonfliegen.

۷۱- زیست شناسی ملکولی در چند دهه اخیر پیشرفتهای چشمگیری داشته است.

- 1) Molekularbiologie hat in den letzten Jahrzehnten markante Fortschritte gemacht.
- 2) Molekularbiologie ist innerhalb der letzten Jahrzehnte hoch entwickelt worden.
- 3) Zellenbiologie ist in den vorigen Jahrzehnten sehr weit vorangekommen.
- 4) Zellenbiologie hat während der bisherigen Jahrzehnte rasante Entwicklungen erlebt.

۷۲- هزل نیز صرفاً حالت مطایبه و سرگرمی دارد، حد اکثر کارش لبخند به لب مستمع آوردن است.

- 1) Der Witz ist eine Art unterhaltende amüsierende Erzählung, deren Höchstziel darin liegt, die Hörer zum Lachen zu bringen.
- 2) Der Witz hat einen unterhaltenden und feinen Charakter, das größte Ziel ist dabei, ein Lächeln auf die Lippen der Hörer zu bringen.
- 3) Der Witz dient ausschließlich der Unterhaltung und Vergnügung, sein höchstes Ziel ist, den Hörer auslachen zu lassen.
- 4) Der Witz ist halt lustiger und unterhaltender Art, seine größte Funktion besteht darin, ein Lächeln auf das Gesicht des Hörers zu bringen.

۷۳- او همه کاره بود، برای رادیو نمایشنامه می نوشت و برای خوانندگان ترانه می ساخت.

- 1) Er war ein Allmächtiger, der für den Rundfunk Stücke dirigierte und für Sänger Lieder schrieb
- 2) Er war ein Besserwisser, der für das Radio Hörspiele schrieb und für Musiker Lieder machte.
- 3) Er war ein Alleskönner; für den Rundfunk schrieb er Hörspiele und für Sänger dichtete er Lieder.
- 4) Er machte alles Mögliche; für das Radio drehte er Stücke und für Sänger schrieb er Songs.

۷۴- هدف اسطوره مدرن، ارائه جوابهای از پیش تعیین شده نیست.

- 1) Der moderne Mythos hat nicht vor, schon vorbestimmte Antworten vorzulegen.
- 2) Die moderne Mythologie will nicht auf vorhin gestellte Fragen antworten.
- 3) Moderne Mythen haben nicht etwa die Absicht, auf gestellte Fragen zu antworten.
- 4) Moderne Mythologie hat sich nicht etwa das Ziel gesetzt, bestimmte Antworten zu geben.

۷۵- نویسنده و شاعر باید آستینها را بالا زده و در عمل دست به کارهای بزرگی بزنند.

- 1) Der Autor und der Poet müssen sich bereit machen, in der Praxis hoch hinaus zu gehen.
- 2) Der Autor und der Liedermacher sollen ihre Ärmel hochkrempeln und praktisch Großes antizipieren.
- 3) Ein Schriftsteller sowie ein Poet haben die Aufgabe, alles daran zn setzen, um praktisch große Werke zu schaffen.
- 4) Schriftsteller und Dichter sollen die Ärmel aufkrempeln und in der Praxis große Taten anpacken.

متن زیر را به دقت خوانده و به سوالات ۷۶ تا ۸۲ پاسخ دهید:

آپارتاید که واژه‌ای به زبان آفریکانس و به معنای جداگری است، یکی از اشکال تبعیض نژادی را بیان می‌کند و در اصل عبارت است از سیاست های تبعیض آمیزی که نژادپرستان کشور آفریقای جنوبی علیه اکثریت سیاهپوست بومی و هندیان آن کشور اعمال می‌کردند. آپارتاید از نظر لغوی به معنای مجزا و جدا نگهداشتن است و در عمل نیز شامل جدا نگه داشتن افراد متعلق به نژادهای غیرسفید از سفیدپوستان است، به طور کلی ممنوعیت آپارتاید، هم در منشور ملل متحد و در اعلامیه جهانی حقوق بشر مطرح شده و به طور خاص نیز در کنوانسیون بین المللی محو و منع هر نوع تبعیض نژادی مورد تأکید قرار گرفته است. با این وجود هنوز هم در عرصه بین المللی نژادپرستی در برخی نظامها وجود داشته و دارد. لذا در پی ادامه تلاش‌های مداوم و مستمر سازمان ملل متحد برای از بین بردن آپارتاید، مجمع عمومی سازمان ملل در ۳۰ نوامبر ۱۹۷۳، طی قطعنامه شماره ۳۰۶۸ کنوانسیون بین المللی منع و مجازات جرم نژادپرستی (آپارتاید) را به تصویب رساند. در ماده سه این کنوانسیون ضمن جرم انگاری این عمل، شرکت یا تشویق و همکاری و توطئه برای ارتکاب این جرم را نیز جرم محسوب نموده و مطابق ماده پنج کنوانسیون مزبور متهم به این جرم قابل محاکمه در مرجع صالح می باشد. در گذشته نه چندان دور در آفریقای جنوبی، کنگره ملی این کشور با درخواست ایجاد جامعه آزاد چندقومی، جنگی علیه نظام آپارتاید به راه انداخت. طرفداران لغو آپارتاید، تظاهرات آرامی در شپرویل و تسوتو به راه انداختند که با مقاومت مخالفان روبه‌رو شد. راهپیمایان سیاهپوست مورد ضرب و شتم قرار گرفتند و حتی در مارس ۱۹۷۰، بیش از ۷۰ آفریقایی کشته شدند. دوتن از مخالفان اصلی آپارتاید، استیو بایکو و نلسون ماندلا بودند. استیو بایکو به حکومت سیاهان اعتقاد داشت، در حالی که ماندلا به حقوقی مساوی برای تمامی اهالی آفریقای جنوبی معتقد بود. در سال ۱۹۶۲، ماندلا دستگیر شد و پس از محاکمه به حبس ابد محکوم گردید. در سال ۱۹۹۰، ماندلا در سن ۷۲ سالگی آزاد شد و مبارزه برای حقوق انسانی اهالی آفریقای جنوبی را از سر گرفت. سرانجام اف دبلیو دکلرک رییس جمهور آفریقای جنوبی با او وارد مذاکره شد. یک سال بعد، کنگره ملی آفریقای جنوبی پیروز شد و ماندلا به ریاست جمهوری رسید و رژیم آپارتاید برای همیشه در آفریقای جنوبی و همچنین در دیگر نقاط جهان لغو گردید.

76- Während Mandela an die Gleichberechtigung aller Südafrikaner glaubte, -----

- 1) war Biko der Ansicht, dass den Verantwortlichen der Apartheid die südafrikanische Nationalität entzogen werden müsste.
- 2) sprach sich Biko für eine neue Apartheid zugunsten der benachteiligten Schwarzen aus.
- 3) sprach sich Biko für ein zweigeteiltes Regierungssystem für Schwarze und Weiße aus.
- 4) sprach Steve Biko das Recht zu regieren allein den Schwarzen zu.

- 77- **Wer war letzter Präsident Südafrikas, bevor die Apartheid endgültig zu Ende ging?**
1) Steve Biko 2) Thabo Mbeki 3) Nelson Mandela 4) Frederik de Klerk
- 78- **Welche Feststellung ist richtig?**
1) Apartheid ist ein afrikaanses Wort und steht für Getrenntheit der Geschlechter.
2) Apartheid ist eine Form der Rassentrennung und wurde in Südafrika praktiziert.
3) Apartheid ist ein afrikanisches Wort und steht für Diskriminierung der Minderheit.
4) Apartheid ist eine Form der ethnischen Säuberung, die im Süden Afrikas stattfand.
- 79- **Mitglied welcher Partei war der frühere Präsident Südafrikas Mandela? Er war Mitglied -----.**
1) des Afrikanischen Nationalkongresses 2) der Nationalen Partei der Buren
3) der Neuen Nationalen Partei 4) der Südafrikanischen Partei
- 80- **Welche Überschrift passt dem Text am besten?**
1) Apartheid in Schwung 2) Geschichte und Rassismus
3) Aufhebung der Apartheid 4) Zukünftige Politik der Rassentrennung
- 81- **1973 beschloss ----- in der Resolution 3068 die Konvention über die Bekämpfung und Bestrafung des Verbrechens der Apartheid.**
1) die UN-Generalversammlung 2) die Versammlung der ANC-Partei
3) der Sicherheitsrat der Vereinten Nationen 4) der Generalaussschuss der Länderkonferenz
- 82- **Gemäß Artikel 5 der Anti-Apartheid-Konvention -----**
1) wird Apartheid als eine internationale Drohung angesehen.
2) wird Apartheid als ein Verbrechen gegen die Menschlichkeit definiert.
3) kann Apartheid nur im Einvernehmen mit den Weißen abgeschafft werden.
4) kann ein Apartheid-Hetzer vor ein internationales Gericht gestellt werden.

متن زیر را به دقت خوانده و به سوالات ۸۳ تا ۹۰ پاسخ دهید:

آلمان، با نام رسمی جمهوری فدرال آلمان، کشوری در قاره اروپا با پایتختی برلین است. آلمان از شمال با دریای شمال، دانمارک و دریای بالتیک، از شرق با لهستان و جمهوری چک، از جنوب با اتریش و سوئیس و از غرب با فرانسه، بلژیک، لوکزامبورگ و هلند مرز مشترک دارد. آلمان دارای نظام سیاسی جمهوری فدرال دموکراتیک پارلمانی بوده و دارای ۱۶ ایالت است. این ایالت‌ها می‌توانند در برخی مسائل سیاسی مستقل عمل کنند. آلمان هم اکنون یکی از صنعتی‌ترین کشورهای جهان است و به عنوان ثروتمندترین عضو اتحادیه اروپا، موتور اقتصادی حوزه پولی یورو محسوب می‌شود. آلمان سومین کشور جهان از نظر تولید ناخالص داخلی است و بزرگترین صادر کننده کالا (از نظر درآمد) و دومین کشور واردکننده کالا در جهان است. شهرهای بزرگ آلمان برلین، هامبورگ، مونیخ و فرانکفورت می‌باشند.

جمهوری فدرال آلمان یکی از اعضای سازمان ملل متحد، ناتو، کشورهای گروه هشت و گروه پنج بوده و از بنیانگذاران اتحادیه اروپا است. سازماندهی دولتی بر پایه قانون اساسی است. در رأس دولت، رئیس جمهور قرار دارد که نقش وی نمادین است. رئیس حکومت صدراعظم است. وی تعیین کننده سیاست حکومتی است. مجلس فدرال صدراعظم را برمیگزیند. البته وی را پیش از انتخابات مجلس می توان با "رأی عدم اعتماد" برکنار کرد. صدراعظم در عمل قدرتمندترین مقام سیاسی است اما مقام تشریفاتی او پس از رئیس جمهور و رئیس مجلس فدرال قرار دارد. قضاوت در مورد همخوانی تصمیم، رأی یا یک قانون با قانون اساسی فدرال بر عهده دادگاه فدرال قانون اساسی است که مرکز آن در کارلسروهه است. در کارلسروهه قاضیان تک تک قوانین مجلس را بررسی نمی کنند. آنان به شکایات مربوط به تضاد قوانین با قانون اساسی رسیدگی می کنند. امور و مسائل سیاسی در آلمان در سطوح کشوری و ایالتی و تا حدی کمتر در سطح امور شهری از طریق حزبها و با جانبداری حزبی پیش برده می شود.

83- **Der Text besagt, dass die offizielle Bezeichnung für das heutige Deutschland ----- lautet:**

- | | |
|-----------------------------------|--|
| 1) die Republik Deutschland | 2) föderativer deutscher Bund |
| 3) die Bundesrepublik Deutschland | 4) die föderative Republik Deutschland |

84- **Der Bundeskanzler wird in Deutschland vom ----- gewählt.**

- | | | | |
|--------------|--------------|--------------|----------------------|
| 1) Bundesrat | 2) Bundestag | 3) Reichstag | 4) Bundespräsidenten |
|--------------|--------------|--------------|----------------------|

85- **Welcher der folgenden Sätze ist richtig?**

- 1) Die Bundesländer handeln in manchen politischen Fragen selbstständig.
- 2) Der Bund und Bundesländer sind in politischen Fragen voneinander abhängig.
- 3) Der Bund verpflichtet die Bundesländer zu einheitlichen politischen Entscheidungen.
- 4) Die Bundesländer treffen ihre politischen Entscheidungen in Absprache mit dem Bund.

86- **Im politischen System Deutschlands hat ----- die vorrangige Stelle in der Regierung.**

- | | | | |
|------------------|----------------------|--------------------|------------------------|
| 1) Bundeskanzler | 2) Ministerpräsident | 3) Bundespräsident | 4) Bundestagspräsident |
|------------------|----------------------|--------------------|------------------------|

87- **Deutschland liegt gemessen am ----- an der dritten Stelle in der Welt.**

- | | |
|--|---|
| 1) Nettoinlandsprodukt | 2) Bruttoinlandsprodukt |
| 3) Nettoeinkommen von Inlandsprodukten | 4) Bruttoeinkommen von Inlandsprodukten |

88- **Die Überprüfung der Übereinstimmung der Beschlüsse mit dem Grundgesetz obliegt**

- .
- | | |
|--|---|
| 1) dem Verfassungsschutzbund | 2) dem Bundesverfassungsgericht |
| 3) dem obersten Gerichtshof des Bundes | 4) der höchsten Gerichtskammer des Bundes |

- 89- **Dem Text kann man entnehmen, dass -----**
- 1) dem Bundespräsidenten nur vom Parlament der Eingriff in den politischen Prozess gewährt wird.
 - 2) der Bundespräsident politische Entscheidungen in Absprache mit dem Bundeskanzler trifft.
 - 3) dem Bundespräsidenten verwehrt ist, aktiv in den politischen Prozess einzugreifen.
 - 4) der Bundespräsident aktiv in den politischen Prozess eingreift.
- 90- **Den Bundeskanzler darf man in Deutschland -----**
- 1) nicht mit einem Misstrauensvotum in Frage stellen.
 - 2) auf keinen Fall vor den Bundestagswahlen absetzen.
 - 3) mit einem Vertrauensvotum für weitere vier Jahre im Amt bestätigen.
 - 4) mit einem Misstrauensvotum vor den Bundestagswahlen absetzen.

واژگان و معنی لغت: در سؤال‌های ۹۱ تا ۱۰۰ گزینه مناسب را انتخاب کنید.

- 91- **Er drehte sich mit dem Rücken zu seinem Sohn und verbiss sich das Husten.**
- 1) unterdrückte sein Husten.
 - 2) konnte nicht husten.
 - 3) fing an, schmerzvoll zu husten.
 - 4) verbot sich, zu husten.
- 92- **Ihre Bemühungen, mit den Zuständigen ein Interview zu organisieren, sind bisher im ----- verlaufen.**
- 1) Eis
 - 2) Holz
 - 3) Sande
 - 4) Wind
- 93- **Der Präsidentschaftskandidat erklärte vor der Presse, er habe aus dem ----- gesprochen und sich nicht elegant ausgedrückt.**
- 1) Pfeifer
 - 2) Kragen
 - 3) Stegreif
 - 4) Überfluss
- 94- **Ich muss meine Hausarbeit zum Abschluss -----.**
- 1) dringen
 - 2) bringen
 - 3) folgen
 - 4) drücken
- 95- **Der Blitz hat meine Augen fast ausgestochen.**
- 1) Der Blitz hat beinahe meine Augen gerissen.
 - 2) Der Blitz hat beinahe meine Augen blind gemacht.
 - 3) Der Blitz hat beinahe meine Augen blass gemacht.
 - 4) Der Blitz hat beinahe meine Augen schwach gemacht.
- 96- **Hast du endlich eine Entscheidung -----?**
- Ja, die Entscheidung -----
- 1) gefallen/ist gefällt.
 - 2) gefällt/ ist gefallen.
 - 3) gefällt/ hat gefallen.
 - 4) gefallen/ hat gefallen.
- 97- **Er kapiert kaum etwas. Bei ihm fällt sehr spät.**
- 1) der Stein
 - 2) die Mütze
 - 3) der Knoten
 - 4) der Groschen
- 98- **“Das Zeitliche segnen“ heißt im Deutschen -----.**
- 1) beten
 - 2) in die Kirche gehen
 - 3) reich werden
 - 4) sterben

- 99- **Mein Bruder war ganz deprimiert und wollte mir sein Herz -----.**
 1) ausschütten 2) abschütten 3) verschütten 4) anschütten
- 100- **“Bei seiner Frau unter den Patoffel kommen“ heißt im Deutschen, -----**
 1) er wird von seiner Frau gehasst. 2) er wird von seiner Frau geliebt.
 3) er wird von seiner Frau begnadigt. 4) er wird von seiner Ehefrau beherrscht.

آیین نگارش: در سؤال‌های ۱۰۱ تا ۱۲۰ گزینه صحیح کدام است؟

- 101- **Dass die Bilder auf der Mattscheibe -----, war nicht weiter schlimm.**
 1) kopfstanden 2) Kopf standen 3) Kopfstanden 4) kopf standen
- 102- **Zwei ----- Teenager dieser Schule waren in eine Schlägerei verwickelt.**
 1) 16 jährige 2) 16jährige 3) 16-jährige 4) sechzehn-jährige
- 103- **In welchem Wort ist der Trennstrich richtig gesetzt?**
 1) A-bend 2) Lai-en 3) Fen-ster 4) Klei-e
- 104- **Bei Datumsangabe ohne "am" oder "vom" steht der Monatstag im -----.**
 1) Akkusativ 2) Dativ 3) Genitiv 4) Nominativ
- 105- **Ich halte es für das -----, wenn wir im ----- nur noch über unser Thema sprechen.**
 1) beste / Folgenden 2) Beste / folgenden 3) beste / folgenden 4) Beste / Folgenden
- 106- **Ich habe ihn erst gestern -----.**
 1) Kennen gelernt 2) Kennengelernt 3) kennen gelernt 4) kennengelernt
- 107- **Für den Umzug musste sich Familie Müller einen ----- mieten.**
 1) 10-tonner 2) Zehntonner 3) zehn-Tonner 4) 10Tonner
- 108- **Er gönnt sich dieses kleine ----- Luxus für zu Hause und macht es sich mit diesem Schaukelstuhl gemütlich.**
 1) bißchen 2) Bißchen 3) bisschen 4) Bisschen
- 109- **Welche Schreibung ist in Bezug auf Satzzeichen richtig?**
 1) "Peter", sagt Anna, "mach Schluss!" 2) "Peter", sagt Anna, "mach Schluss!"
 3) "Peter," sagt Anna "mach Schluss!" 4) "Peter" sagt Anna "mach Schluss!"
- 110- **Um wie viele Personen handelt es sich im folgenden Satz?**
Klaus, mein Bruder, und ich treffen uns heute Abend bei Peter.
 1) fünf 2) vier 3) zwei 4) drei
- 111- **Welches Satzzeichen fehlt im folgenden Satz?**
Jürgen hat fünf Brüder nämlich Dieter, Jörg, Hans, Karl und Markus.
 1) Doppelpunkt 2) Keins 3) Komma 4) Semikolon
- 112- **Ich habe mich längst für ----- erklärt.**
 1) bankrot 2) bankrott 3) Bankrott 4) Bankrot
- 113- **Peter gehört zu den Leuten, die viel reden, d. h., -----.**
 1) quatschen 2) quatchen 3) quaschen 4) quachen

114- Die Adjektivform des Wortes "Essenz" in der neuen Rechtschreibung lautet:

- 1) essenziel 2) essenciell 3) essentiel 4) essenziell

115- "-----" heißt auch ein ----- für einen Computer aufstellen.

- 1) Programieren/Program 2) Programmieren/Program
3) Programieren/Programm 4) Programmieren/Programm

116- Welche Schreibung ist richtig?

- 1) Karoβerie 2) Karrosserie 3) Karosserie 4) Karroβerie

117- Er hat sich prima aus der ----- gezogen.

- 1) Affäre 2) Afäre 3) Affere 4) Afere

118- Wir sind gestern mit unseren Großeltern -----

- 1) Spazieren gegangen. 2) spazierengegangen.
3) spazieren gegangen. 4) Spazierengegangen

119- Er kann alte ----- und jedes ----- Schmutz ohne Probleme beseitigen.

- 1) Glimstängel - Quäntschen 2) Glimmstängel - Quäntchen
3) Glimmstengel - Quentchen 4) Glimstengel - Quentschen

120- Beliebt sind heutzutage ----- mit -----.

- 1) Spaghetti - Ketchup 2) Spagetti - Ketchop
3) Spagheti - Ketschup 4) Spageti - Ketschop